

فدو

(پژوهشی در موسیقی پرتغال)

علی اکبر حادیان کاندیدی

سرشناسه: عابدیان کاسگری، علی اکبر، ۱۳۳۷ -
عنوان: قَدُو (پژوهشی در موسیقی پرتغال)
مشخصات نشر: تهران: نشر دگراندیشان، ۱۳۹۷
مشخصات شابک: ۵۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۷۷۳-۹-۶
شناسه افزوده: ویراستار: مروارید عابدیان کاسگری
طراح جلد: مروارید عابدیان کاسگری

www.ketab.ir

ناشر: موسسه انتشارات دگراندیشان

تهران: صندوق پستی ۱۹۵۷۵/۵۷۱

همه حقوق محفوظ است.

استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن به هر شکل (چاپ، فتوکپی، تهیه قالب‌های صوتی و الکترونیکی، و نشر در فضای مجازی) ممنوع و مشروط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.



Copyright © All rights reserved

اول - ۱۳۹۸

۵۰۰ نسخه

رقعی

پانزده هزار تومان

نوبت چاپ:

تیراژ:

قطع:

قیمت:

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الفـث	مقدمه
۱	تا حجه ادبیات پرتغال
۹	تاریخ مختصر موسیقی پرتغال
۱۹	قدو
۲۷	قدوخوانان سبک لیسبون
۵۳	منابع

... پرتغال کشوری در جنوب غربی اروپا، غربی‌ترین کشور در قاره سبز است و به همراه تنها همسایه‌اش اسپانیا که از مشرق و شمال به آن محدود می‌باشد شبه‌جزیره ایبری را در پایین‌ترین بخش جنوب غربی اروپا تشکیل می‌دهد. این سرزمین را می‌توان دنباله فلات مرتفع مرکزی اسپانیا دانست که هرچه به سمت دریا پیش می‌رود از ارتفاع آن کاسته می‌گردد، سواحل غربی و جنوبی پرتغال را اقیانوس اطلس فرا گرفته است. دو مجمع‌الجزایر آزور و مادیرا واقع در اقیانوس اطلس که در جنوب غرب پرتغال قرار دارند نیز بخشی از سرزمین پرتغال محسوب می‌شوند.

پرتغال دو منطقه کلان‌شهری پراهمت دارد: کلان‌شهر لیسبون در جنوب و کلان‌شهر پورتو در شمال. نام کامل پورتو، پورته کاله به معنی بندر کال‌ها بوده و نام کشور پرتغال نیز در واژه پورتو کاله ریشه دارد. کال‌ها یکی از اقوام سلتی بودند که مانند سایر اقوام سلتی نظیر گالادی‌ها و لوسیتانی‌ها از دوران باستان در این سرزمین سکونت داشتند. این سرزمین بعدها بخشی از امپراتوری روم شد و سپس قبایل مختلف ژرمن نیز راهی آن شدند.

پرتغال از سده هشتم میلادی در دوره کوتاهی به تصرف عاب‌المسلمین درآمد. قلمرو اقیانوسی سرزمین پرتغال و وجود آب‌های متناظر خلیج بیسکای و ورودیه مانش، ساکنان این سرزمین را به دریانوردان مجربی بدل نمود. دانش دریایی دریانوردان پرتغالی، قرون متمادی آنها را به رقابت در مقابل سایر دریانوردان ایبرائی و همچنین دریانوردانی که از بخش‌های شمالی‌تر برای کشف سرزمین‌های جدید راهی می‌شدند، ترغیب می‌نمود. دریانوران پرتغالی از اواخر قرن چهاردهم و اوایل قرن پانزدهم میلادی

کنجکاوانه دریاها را می‌پیمودند، آنها در قرن‌های شانزدهم و هفدهم میلادی مسیرهای دریایی گوناگونی را کشف کرده و راه‌های دستیابی به آنها را بر روی نقشه‌های دریایی ثبت نمودند. بعدها این راه‌ها و گذرگاه‌های دریایی سنگ بنای امپراتوری عظیم مستعمرات پرتغال را بنیان نهاد. دریانورد هائری به‌جای پرداختن به زندگی اشرافی، در اوایل قرن پانزدهم میلادی گروهی از اخترشناسان و ریاضی‌دانان را با خود راهی دریاها نمود تا به پژوهش بپردازند. کوشش‌های آنها منجر به عبور دریانوردان پرتغالی از دماغه بوژادور در سواحل اریقا شد و قدرت سلطه‌گری پرتغال را تقویت نمود. در اواخر همین قرن که در تاریخ پرتغال به عصر زرین^۱ مشهور است، بارتولومئو دیاز تا دماغه امید نیک در جنوبی‌ترین نقطه قاره آفریقا پیش راند. پس از وی، واسکو دوگاما راه‌های دریایی هند و شرق را یافت. سپس برای استیلا بر اقیانوس هند با ترسیم شبکه راه‌های دریایی بایگاه‌هایی در ایران، هند، و شرق آفریقا تاسیس شد. در سال ۱۴۹۸، واسکو دوگاما با عبور از جنوب و شرق آفریقا با کمک یک راهنمای ایرانی‌تبار از بندر سی بیگ^۲ به سوی هند روانه شد و گزارش مفصلی از اهمیت پارس و هند به دربار پرتغال فرستاد. پرتغالی‌ها اولین استعمارگرانی بودند که از عرب‌ها و خلیج فارس وارد شدند. پرو دی کوویلیا احتمالاً در سال ۱۴۹۸، از هرمز گزارشی فرستاد و آلبوکرک در سال ۱۵۰۷، هرمز را اشغال کرد. پرتغالی‌ها از سال ۱۵۰۷ تا ۱۶۲۲م. در خلیج فارس به تجارت مشغول بودند اما به تدریج به بحران و حوزه فعالیتشان افزوده و به تاسیس استحکامات نظامی در خلیج فارس مبادرت نمودند. پرتغالی‌ها در سال ۱۵۱۵م. نظر موافق شاه عباس صفوی را برای در اختیار گرفتن هرمز کسب کردند و در سال ۱۵۲۳م. در قرارداد میناب با این توافق

^۱ عصر زرین یا تسخیر پرتغال توسط اسپانیا رو به افول نهاد، این سلطه ۶۰ سال ادامه یافت. پرتغالی‌ها در ۱۶۴۰م. استقلال خود را بازیافتند و تلاش‌های گسترده‌ای را برای تجدید سیادت دریایی، که در مدت تسلط اسپانیایی‌ها تا حدی به دست انگلیسی‌ها و هلندی‌ها افتاده بود، به‌عمل آوردند. در همین دوره، پرتغال سرزمین برزیل را کشف کرد.

^۲ در شمال موزامبیک

رسمیت بخشیدند. بر طبق این معاهده باید بحرین و قطیف واقع در سواحل شمالی عربستان در اختیار ایران قرار می‌گرفت. در سال ۱۵۲۱م. به دلیل اختلافات آل جابر - حاکم بحرین - با حاکم هرمز، بحرین به تصرف پرتغال درآمد اما صفویان آنها را از بحرین بیرون راندند.

بررسی حضور پرتغالی‌ها در ایران نیاز به مطالعه تاریخ همزمان حکومت‌های استعماری به‌ویژه هلند و انگلستان دارد؛ چرا که رقابت‌های پرتغال، هلند و انگلستان برای سلطه بر اقیانوس هند و دستیابی آسان‌تر به منابع جزایر ملوک و ادب در سواحل شرقی اقیانوس هند و استیلا بر مسیرهای تجاری آفریقا و آسیا، تاریخ کشورهای حوزه اقیانوس هند از جمله ایران را دستخوش حوادث تاریخی مختلف ساخته است. حتی بیرون راندن پرتغالی‌ها که اسکندریه ترکمان در تاریخ «آرای عباسی» به آن اشاره کرده است^۱ نیز تحت تاثیر رقابت‌های استعماری سه کشور پرتغال، هلند و انگلستان قرار داشته است، بدون کمک نیروی دریایی انگلستان به ارتش امام‌قلی‌خان امیرالامرای فارس و سردار سپاهیان صفوی، انزاج پرتغالی‌ها توسط صفویان امر پیچیده‌ای به نظر می‌رسد.

۱ «از فتوحات که درین سنه مبارکه مطابق احدى و سین الف ۱۰۳۱ قمری) به نیروی اقبال قرین حال اولیا دولت بی‌زوال گردید، فتح و تسخیر بلاد هرموز است ... در این وقت که فرنگیه پای از دایره ادب بیرون نهاده به اموری که به تحریر پیوست اقدام نمود ... جماعت انگلیسی را اخبار نموده ایشان نیز بر حسب وعده آماده خدمت شدند. القصة اقلی حاز شجاعت شعار با جنود قاهره فارس متوجه آن صوب گشته خود در بندر گمبرو که الیوم به بندر جمالی موسوم است اقامت کردند و افواج قاهره از دریا با کشتی‌ها و سفاین عبور نموده داخل بندر هرمز شدند ... القصة بعد از دو ماه و چند روز امتداد ایام محاصره و جنگ و جدال به نیروی دولت و اقبال که همواره قرین حال این دودمان والاست، قلعه رفیع بنیان هرموز که در متانت و حصانت شهره جهان و از کارنامه‌های نادره فرنگیان است، مسخر اولیای دولت ابد پیوند گردید ... چون خبر فتح هرموز رسید، جناب خانی مورد تحسین و آفرین شاه و سپاه گردید و آن خبر بهجت اثر بر مبارزان قلعه گشای رکاب همایون مبارک و میمون آمده در همان روز قلعه قندهار نیز به توفیق کردگار مفتوح گشت ... از هر طرف که چشم گشایی نشان فتح ... وز هر طرف که گوش نهی مزده ظفر» (تاریخ عالم‌آرای عباسی، صفحه ۹۷۹).

در آغاز سده نوزدهم میلادی آتش جنگ سراسر اروپا را فراگرفت و پرتغال نیز از آسیب‌های جنگ در امان نماند. نیروهای ناپلئون بناپارت در سال ۱۸۰۷م. لیسبون را اشغال کردند و پرتغال بایتختش را به برزیل انتقال داد؛ دولت پرتغال پس از شکست ناپلئون، به لیسبون بازگشت. حکومت پرتغال پس از یک انقلاب خونین در سال ۱۹۱۰م. با سرنگونی رژیم استبدادی به جمهوری تبدیل شد اما جمهوریت پرتغال در سال ۱۹۲۶م. توسط نظامیان بی‌ثبات گردید. در سال ۱۹۳۲م. ژنرال آنتونیو اولیویرا سالازار^۱ با الهام از فاشیسم ایتا، حکومتی دیکتاتوری در پرتغال تاسیس نمود که مانند دیکتاتوری فرانسه، اسپانیا با اتکای به ارتش و اقتدار کلیسا، سرکوبگر جنبش‌های ملی بود. آمریکا و قدرت‌های اروپایی از بیم نفوذ کمونیسم در شبه جزیره ایبری همواره از سالازار فرانکو در پرتغال و اسپانیا حمایت کردند. در دهه ۱۹۶۰م. به دنبال اسارت دل‌خیز مستعمرات که پیش از آن مستعمره سایر قدرت‌های استعماری بودند پرتغال به عنوان یکی از آخرین استعمارهای جهان اعلام کرد و بسیاری از این مناطق برای کسب استقلال وارد مبارزه شدند. این مبارزات در سال ۱۹۷۴م. به سقوط دیکتاتور در پرتغال و کودتای چپ‌گرایان مشهور به انقلاب میخک‌ها منجر شد. در نتیجه این حوادث، مستعمرات پرتغال (به جز ماکائو) در سال ۱۹۷۵م. به استقلال دست یافتند.

از نظر زبانی، پرتغال کشوری یک‌دست است. زبان پرتغالی در کل کشور رایج است، تنها در روستاهای پیرامون میراندا دو دورو^۲ کمی از زبان آستوری^۳ به نام گویش میراندی^۴ سخنور دارد که آن هم از گویش زبان‌های رومی تبار

^۱ António de Oliveira Salazar

^۲ Miranda de Doro

^۳ Asturi

زبان آستوری زبان رایج در ایالت خودمختار آستوریاس اسپانیا است. مطابق آخرین آمار اتنولوگ، شمار گویشوران این زبان ۵۶۰ هزار نفر است که فقط ۱۱۰ هزار نفر به عنوان زبان اول آن را به کار می‌برند. برای آگاهی بیشتر به وبگاه اتنولوگ مراجعه نمایید:

<https://www.ethnologue.com/language/ast>

^۴ Mirandi

است، این گویش در پرتغال به عنوان یک زبان اقلیت رسمیت دارد. زبان پرتغالی که ششمین زبان پر استفاده جهان است و در چهار قاره جهان سخنور دارد نیز زبانی رومی تبار است و از طریق رومی ایبری به نیای رومی غربی می-رسد. زبان پرتغالی از زبان گالیسیایی-پرتغالی توسعه یافته و در قرون وسطی در پادشاهی گالیسیا به این زبان صحبت می-شده است. زبان پرتغالی ابتدا در شمال غربی اسپانیا و شمال پرتغال به وجود آمد و بعدها گسترش یافت. زبان پرتغالی در میان خانواده زبان های رومی تبار بیش از همه دارای ریشه های هم ریشه با زبان عربی است، همانگونه که مانند دیگر زبان های اروپایی واژه های بسیاری با ریشه لاتین و یونانی در پرتغالی یافت می-شود. زبان پرتغالی با لهجه ها و گویش های متفاوت در پرتغال، گالیسیا، برزیل، مجمع الجزایر اسور (در اقیانوس اطلس)، آنگولا، سائوتومه و پرنسیپ، کیپ ورد، گینه بيساو، موزامبیک، تیمور شرقی و ماکائو (در جنوب چین) سخنور دارد و یکی از مدرن ترین بخش های هویتی ساکنان سرزمین های مزبور است. از میان پرتغالی زبان ها، مازا، زبان پرتغالی برزیلی ها بر ادبیات پرتغال موثرتر بوده است. پرتغالی رایج در برزیل ضمن تاثیر از زبان بومیان برزیل و همچنین مهاجران آفریقایی تبار، به صورت مستقل از زبان پرتغالی تحول یافته و در مقایسه با زبان رایج در پرتغال، دچار تغییرات آوایی کمتری شده است، گفته می-شود زبان کاموهای پرتغال قرن شانزدهم میلادی بیشتر شبیه به پرتغالی امروز برزیل است. در برزیل، در کنار زبان پرتغالی، زبان های بومی به خصوص در مناطق شمالی سخنور دارند. برخی از زبان های غیر پرتغالی برزیل ریشه در زبان های آلمانی، ایتالیایی و ژاپنی دارند. مهم ترین آنها عبارت اند از گویش های شبه آلمانی نظیر پامرانین، ریوگرنندسر، هانشروکیش؛ گویش شبه ونیزی تالیان و گویشی شبه ژاپنی در منطقه لیبرداد در شهر سائوپائولو.